

داد: «[به دلیل] عدم ارتباط با پلتفرم‌های خارجی به دلیل تحریم‌ها وفیلترینگ امکان تخمین میزان این داده‌ها امکان‌پذیر نیست. اگر این‌ها تحریم هستند و این تحریم مانع ارتباط باسکوهای خارجی است، پس چگونه کشور مافعالیت می‌کند و سرویس می‌دهند! سوال اینجاست، آنها چگونه سرویس می‌دهند، چگونه اینجا اطلاعات جمع‌آوری می‌کنند و با تعداد کاربران ایرانی پُز می‌دهند و از این موضوع در منافع اقتصادی‌شان بهره می‌برند؛ این چه جور تحریمی است؟ در پاسخ این سوالات گفتند که با توجه به موارد فوق هیچکدام از پلتفرم‌های خارجی داده‌های خودشان در داخل ایران رامیزبانی نمی‌کنند. این حرف بدی است، این خلاف امنیت ماست، یعنی دولت قرار نیست حتی در اجرای این مصویات کاری کند.»

او با بیان اینکه ما باید در این زمینه حکمرانی داشته باشیم، گفت: «این حکمرانی بر عهده کیست؟ اگر قانون کم دارید لایحه ارسال کنید، دولت یک لایحه‌ای در مورد نشر اکاذیب داده بود. ما نباید تسلیم این فضای بی‌قید و شرط شویم. گفته شده حمایت از پلتفرم‌های بومی به‌ویژه در بخش خدمات پایه و پیام‌رسان‌های بومی از اقدامات کلان وزارت ارتباطات در صیانت از کلان‌داده‌های ملی بوده، در حال حاضر زیرساخت‌های پیراژشی ذخیره‌سازی ارتباطی با ظرفیت بیش از ۱۲۰۰ سرور برای پلتفرم‌های بومی توسط وزارت ارتباطات تأمین شده که ما تشکر می‌کنیم. البته بخش عمده‌ای از این ۱۲۰۰ سرور مربوط به دولت شهید رئیسی است که خدا رحمت‌شان کند. الان به‌ویژه بعد از جنگ ۱۲ روزه هم‌وطن‌های ما از سکوه‌ای داخلی استقبال کردند. هم‌اکنون خیانت سکوه‌ای خارجی مشخص شده و سرت اطلاعات جاسوسی که از طریق این پلتفرم‌ها از ملت ایران می‌کنند مشخص است؛ بدیهی است که این امکانات موجود برای سکوه‌ای داخلی پاسخگوی این استقبال نیست و باید بیشتر از گذشته حمایت شود.»

▼ شبکه‌های اجتماعی بدون نظارت رها شدند

او با طرح این ادعا که در دولت یازدهم به صورت تعدمی اقدامی برای ضابطه‌مند کردن پهنای باند سکوه‌ای خارجی انجام نشد، ادامه داد: «وضعیت شبکه‌های اجتماعی بدون نظارت به دلیل رها بودن و عدم نظارت به جایی رسید که اخلاقی، ایمان، فرهنگ، امنیت و تمام مسائل بومی، ملی، خانوادگی ما را هدف گرفتند و طبیعی بود با این وضعیت عده‌ای نگران شوند. این وضعیت قابل تحمل نبود، اما به جای ضابطه‌مند کردن، سیاست فیلترینگ انتخاب شد. این سیاست غلط بود و هست و از اینجا به بعد بود که پای فیلترشکن‌ها باز شد. در جمهوری اسلامی هیچ‌کس با فیلترینگ موافق نیست، ما معتقد به اینترنت آزاد هستیم و اینترنت آزاد جلوی مدیران بی‌عرضه و اختلاس‌ها و بانبدی‌ازی‌ها و فریب‌کاری‌ها را می‌گیرد. آنچه که هم‌اکنون وجود دارد، اینترنت آزاد نیست. این نوعی بازی با افکار عمومی است. وضعیت فعلی نه فیلترینگ است و نه فیلترینگ نیست.»

وی با بیان اینکه فیلترینگ فله‌ای قطعاً غلط است، تصریح کرد: «همان‌طور که ول‌انگاری و بی‌پندوباری فله‌ای در فضای مجازی غلط است و در هیچ‌کدام از کشورها هم این‌گونه نیست، این وضعیت باید خاتمه پیدا کند، راهش این است که بررسی شود. یکی از محورهای مهم که ما این جا بیان کردیم و گفتیم اعلام شود چه اشخاص حقوقی در فروش

اندیشیده شود تا اعتماد جامعه پزشکی تقویت و اطمینان آنان نسبت به حمایت حاکمیت از امنیت جانی و حرمت حرفه‌ای‌شان تضمین گردد.»

سال گذشته حادثه‌ای تلخ در یاسوج یکی از جنگالی‌ترین پرونده‌های قضائی و اجتماعی کشور را رقم زد؛ حادثه‌ای که نه‌تنها جامعه پزشکی بلکه بخش وسیعی از افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داد. در آن روزها فردی با این ادعا که برادرش بر اثر «خطای پزشکی» جان باخته است، دکتر **مسعود داوودی**، پزشک متخصص و شناخته‌شده منطقه را به قتل رساند. قاتل پس از به قتل رساندن دکتر داوودی در رفتاری عجیب لباس این پزشک را بر تن کرده و در سطح شهر یاسوج چرخید اما پس از **۱۴ ساعت** او بازداشت شد. با آنکه «خطای پزشکی» به عنوان انگیزه قتل مطرح شد با شروع تحقیقات رسمی، **خطای پزشکی رد شد**. در نهایت با استناد به قتل عمد حکم قصاص صادر شد و این حکم در دیوان عالی کشور هم تأیید شد. در **۲۰ آبان‌ماه امسال**، هم‌زمان با نخستین سالگرد قتل دکتر داوودی، حکم اعدام در **میدان هفت‌تیر یاسوج و در ملاعام** با حضور مقامات قضائی و انتظامی و نیروهای امنیتی اجرا شد.

اما حواشی این پرونده با اجرای حکم همچنان ادامه داشت. یکی از **فیلم‌هایی که پس از خاکسپاری قاتل در فضای مجازی منتشر شد**، یک روحانی در بخشی از صحبت‌هایش در مراسم خاکسپاری قاتل می‌گوید: «مرگ حق است، اما به ما هم حق می‌دادید. بعد از حق برادرمان، به ما هم حق می‌دادید.» با گذشت چند روز از انتشار این ویدئو، اتفاق دیگری رخ داد که دامنه واکنش‌ها را گسترده‌تر کرد. **محمد بهرامی‌سیف‌آباد**، **نماینده بویراحمد و دنا در مجلس** به‌همراه هیئت همراهان خود به منزل قاتل رفت و با خانواده او ابراز همدردی کرد و خانواده قاتل از «همراهی و همدلی» این نماینده مجلس تشکر کردند اما این اقدام نماینده مجلس موجی از انتقادات را در پی داشت. واکنش‌ها تنها در سطح شبکه‌های اجتماعی باقی نماند. **محمد رئیس‌زاده**، **رئیس سازمان نظام پزشکی کشور** به این اقدام اعتراض رسمی کرد. او طی نامه‌ای خطاب به **محمدباقر قالیباف**، **رئیس مجلس** ضمن گلایه از رفتار نماینده مجلس، نگرانی جامعه پزشکی را نسبت به امنیت شغلی پزشکان ناشی از چنین رفتارهایی بیان کرد. رئیس سازمان نظام پزشکی در حالی به اقدام این نماینده مجلس اعتراض می‌کند که کادر درمان در سال‌های گذشته بارها مورد تهدید، توهین و حتی خشونت فیزیکی قرار گرفته‌اند و ناامنی می‌تواند به بیشتر شدن مهاجرت کادر درمان و مشکلات درمانی کشور بیانجامد. به همین دلیل حادثه قتل دکتر داوودی و ورخداهای پس از آن بار دیگر نشان داد که چگونه یک واقعه می‌تواند لایه‌های پیچیده‌ای از مسائل اجتماعی، حقوقی، اخلاقی و سیاسی را آشکار کند.

این ابزارهای حاکمیت‌گریز نقش دارند؟ پاسخ دادند که این موضوع بر عهده دستگاه‌های امنیتی است؛ یعنی چه؟ به دستگاه‌های امنیتی گفتیم، می‌گویند ما آماده‌ایم بررسی کنیم. این پاسخ کافی نیست. وزارت ارتباطات باید پاسخگو باشد، اگر دستگاه‌های امنیتی به وزارت ارتباطات پاسخ نمی‌دهند مجلس از آنها پاسخ می‌خواهد. متأسفانه عده‌ای، عده دیگر را متهم می‌کنند که شما فیلتر می‌کنید، شما فیلترشکن می‌فروشید و سود مالی می‌برید؛ بسیاری متهم می‌شوند در حالی که هیچ ارتباطی به آنان ندارد.»

نماینده تهران با طرح این موضوع که «شنیده‌ام پای بعضی از بانک‌های خصوصی وسط است»، گفت: «من هیچ‌کس را هم‌اکنون متهم نمی‌کنم اما باید بررسی کنیم و متوجه شویم، پشت این موضوع کیست. این تفحص یکی از ماندگارترین تحقیق و تفحص‌ها در مجلس دوازدهم است.»

▼ واکنش‌هایی تند به اظهارات نماینده تهران

صحبت‌های این نماینده مجلس، بدون واکنش باقی نماند. واکنش‌ها نیز چند علت داشت. از جمله اینکه او یکی از کسانی بود که مشخص شد با استفاده از سیم‌کارت سفید، در دوران گذشته از فیلترینگ دفاع می‌کرد. بخشی از رسانه‌ها، با تیتربهایی عجیب به استقبال اظهارات این نماینده رفتند. تیتربهایی که با استفاده از تعبیری مانند چرخش ۱۸۰ درجه‌ای، رفتار دوگانه، عجیب اما واقعی و نطق غیرمنتظره نوشته شدند.

علی شریفی‌زاری، **استاد دانشگاه شریف** در واکنش به یکی از پست‌های این نماینده که خبر از تصویب این طرح تحقیق و تفحص داده بود، در توییتر نوشت: «مردم را فریب ندهید! تادیروز همکاران شما طرح صیانت می‌نوشتند و خودتان دوفوریت لایحهی حققان را تصویب می‌کردید؛ امروز به جای آن که شورای عالی فضای مجازی را بازخواست کنید که چرا کماکان به فیلترینگ و اینترنت طبقانی اصرار می‌ورزد، دنبال «فیلترشکن فروش‌ها» هستید؟ آن‌هم با خط سفید؟» همچنین این اظهارات نماینده تهران در آبان ۱۴۰۳ بار دیگر مورد توجه قرار گرفت. او سال گذشته در یکی از برنامه‌های تلویزیونی، در پاسخ به این سوال که مسئولین چگونه در شبکه ایکس حضور دارند و توثیت می‌زنند، و خود شما چگونه در این شبکه فعالیت دارید، گفت: «یکی از مشکلاتی که در نطق در مجلس، خطاب به وزیر ارتباطات جدید اشاره کردم، همین بود. حرفم این بود که شما یا باید فیلتر نکنید یا اگر فیلتر می‌کنید، واقعاً فیلتر کنید. اینگونه نباشد که از یک طرف فیلتر کنید و از طرف دیگر تعداد زیادی فیلترشکن فروش، حضور داشته باشند.»

این بخش از صحبت‌های او بود که واکنش برانگیز شد: «اما در رابطه با حضور ما، شما گاهی منطقه‌ای را به عنوان منطقه جنگی در نظر می‌گیرید، در این منطقه اجازه نمی‌دهید که عموم بیایند و در آن حضور داشته باشند، مگر کسانی که آموزش دیده باشند. غیر از این باشد، یا خود طرف لطمه می‌بیند و یا باعث ضرر رساندن به بقیه می‌شود. حضور ما در این شبکه‌ها بیشتر از این باب است که چون بقیه در آنجا حضور دارند ما هم باید برای پاسخگویی آنجا باشیم. یعنی همان منطقه جنگی است. عده‌ای که وظیفه دارند دفاع کنند، طبیعتاً باید در آنجا حضور پیدا کنند.»

▼ نباید قاتل مظلوم جلوه داده شود

احمد آریایی‌نژاد، **نماینده ایلام و عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس** به هم‌میهن گفت: «باید مشخص شود که دیدار و ابراز همدردی یک نماینده مجلس به چه منظور صورت گرفته است. اما این اقدام بدی است. اگر یک نفر کار اشتباهی کند و ما به سبک و شیوه‌ای رفتار کنیم که آن فرد در اشتباهش تأیید یا جری شود، نسبت به بقیه جامعه ظلم شده و جفا شده است. بنابراین باید مراقب سبک رفتار خود باشیم.» او با تأکید بر اینکه نیت نماینده مجلس را نمی‌دانم، افزود: «شاید فامیل این نماینده بوده اما نباید عکس و خبر ملاقات نماینده با این خانواده طوری درج شود که برداشت منفی از آن صورت گیرد. چراکه باید رفتارمان طوری باشد که به ذهن متبادر نشود آنها [خانواده قاتل] مظلوم واقع شده‌اند. حکم کسی که قتل انجام می‌دهد، قصاص است: آن‌هم دربراره پزشکان که واقعا بعضی وقت‌ها مظلومانه در این مسائل گیر می‌افتند. به عنوان مثال دنبال پرونده‌ای فردی بودم که به دلیل حمل مواد مخدر محکوم به اعدام شده بود. اما ممکن بود از بخش‌های پرونده مطلع نباشیم اما دستگاه قضا در جریان آن بخش‌ها بود و بالاخره حکمش اجرا شد. من حتی به خانواده او تسلیت گفتم اما به این معنا نبود که قوه قضائیه کار بد یا اشتباهی انجام داده است.»

این عضو کمیسیون بهداشت تأکید کرد: «بالاخره سنگ‌بنایی باید گذاشته شود که همه آن را بپذیریم. به هر حال، ما نا‌ارحتمی که این بنده خدا اعدام شده، اما به معنای تأیید کارش نیست. اما نباید به جایی کشیده شود که نهایتاً ناچار به اعدام یک عضوی از جامعه شویم. بنابراین باید ظرافت‌های مرزها را رعایت کرد. امیدواریم این همکار ما [نماینده مجلس] هر کسی بوده برای رای این کار را نکرده باشد. یعنی آن فرد طایفه داشته باشد. اما باید حرف این نماینده را هم بشنویم. گاهی وقت‌ها سوءتفاهم‌هایی پیش می‌آید.»

آریایی‌نژاد در باره ایجاد ناامنی و کاهش تصمیم‌گیری در جامعه پزشکی تأکید کرد: «نمی‌توان درصد این موضوع را تعیین کنیم اما امنیت شغلی بسیار مهم است. به‌ویژه در مشاغل مختلف؛ پزشکان مانند (فرهنگیان) یکی از اقلشاری هستند که اعتماد بالایی در جامعه کسب کرده‌اند. بنابراین باید از این اعتماد مراقبت شود. البته فرقی نمی‌کند؛ هم پزشکان باید حرمت خود را در جامعه نگه داشته و از آن حفاظت کنند، هم جامعه باید حرمت آنها را نگه دارد. در این شرایطی که مردم برای خرج تأمین درمان‌شان گرفتارند، پزشکان بسیاری، از خودگذشتگی نشان می‌دهند و با مردم مدارا می‌کنند. پس باید طوری رفتار نکنیم که این بخش از جامعه دچار آسیب شوند. پزشکان هم جزئی از مردم و خادم آنها هستند.»



احمد عربانی

سمفونی خطوط

می‌دانید کمتر از ۳۹ درصد یعنی چه؟

کشور و فاجعه آنجاست که پولپاشی مدیریت آتش رشته خیابانی، الان شده است رویای افشار فقیر جامعه و هیچ جور نمی‌توان آنها را به فاجعه‌ای که مصیبت معجزه هزاره سوم بر سر کشور آورد، توجه داد؛ چرا؟ فقط به یک دلیل که به جمله مکرر مردم عادی تبدیل شده: «مگر دیگران چه کردند؟ آنها خوردند؛ اگر این هم خورد، اقلأ به ما هم چیزی داد.» و این منطق را نه می‌توان با استدلال نابودی ذخایر کشور، نه با فسادی که به همه ارکان راه پیدا کرد، نه با آن فظعننامه‌های تحریمی که آن مدیریت آتش‌رشته‌ای بر کشور تحمیل کرد، عقب‌راند. آنچه مردم عادی به خاطر دارند این فجایع نیست که همه اینها به پای کل ساختار نوشته شده، ولی آن پولپاشی که هر کس یک نامه هم می‌نوشت، یک تزاوِل چک پنجاه هزار تومانی نازشست می‌گرفت، به یادشان ماند؛ و اگر می‌فهمیدیم که این از خطای خودمان در اشتباه گرفتن کارکرد شورای شهر شروع شد و فرستادن کسانی به آن شورا که رویای صندلی‌های دیگری در سر داشتند و کردند آنچه کردند و شد آنچه شد. حالا رسیده‌ایم به شش ماه تا انتخابات یک شورای شهر دیگر. شورای شهری که نتیجه دوره قبلی اش از قهر مردم با صندوق انتخابات در سال ۱۴۰۰ حاصل شد و شهرداری که به‌جای ساختن و آبادانی شهر، دنبال خراب کردن هرآنچه در شهر هست می‌گردد. آخرین تخریبش هم در تئاتر شهر و نمونه‌اداره کرن شهر هم اجاره دادن پیاده‌روهای شهر به دستفروشان و راه‌انداختن بازار مکاره در هر جا که بشود. از یاد نمی‌برم که سال ۱۴۰۰ هر چه فریاد زدم و به اهل سیاست وخبیگان گفتم با صندوق رای ریاست جمهوری قهر کردید که کردید، ولی قرار است در تهران زندگی کنیم، این را به امان خدا نگذارید و نشد و حالا گویا دوباره قرار است از دل انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۲، اتفاقی مثل انتخابات شورای شهر اول بیرون بیاید و عملکرد ریاست جمهوری و دولت چهاردهم، دوباره به قهر با صندوق و یک شهردار دیگری که پیاده‌رو اجاره دهد منتهی شود. انصاف داشته باشیم، جناب پزشکیان که گویا توجه ندارد که عملکردش ممکن است به قهر دوباره با صندوق رای منتهی شود و حتی دیگر آن ۳۹ درصد دور اول انتخابات پارسال را هم به پای صندوق نکشند، پس به قول خودش، فکر کنیم که اصلاً او نیست، خودمان یک فکری به حال تهران و کشور بکنیم، والا اگر امیدمان به عملکرد او باشد، شاید حتی نماینده ۳درصدی هم به شورای شهر راه پیدا نکنند و وضع از این هم بدتر شود. حقیقت این است که جناب پزشکیان اصلاً متوجه نیست که ناراندن آنهاپسی که از او در انتخابات پارسال حمایت کردند، بیش از خود او، به صندوق انتخابات و در نتیجه به کشور صدمه می‌زند، نمی‌دانم ایشان و ساختار کشور متوجه هست که بعد از جنگ ۱۲ روزه، انتخاباتی که حتی کمتر از ۳۹ درصد انتخابات پیشین مردم را به پای صندوق بیاورد یعنی چه؟ به نظر می‌رسد که احتمالاً نمی‌دانند. فقط ۶ماه زمان داریم، امیدوارم حداقل این را بفهمیم.



مهرداد احمدی شیخانی

روزنامه‌نگار

انتخابات شورای شهر دوم را یادتان هست؟ اگر به جرأت و صراحت بتوان انتخابات مجلس پنجم را نقطه عطف تحولات اجتماعی در کشور دانست که به گمان من بسیار مهمتر از دوم خرداد ۱۳۷۶ بود و البته کمتر به آن پرداخته می‌شود، انتخابات شورای شهر دوم هم نقطه عطف در مدیریت کشور بود که هرآنچه امروز در کشور می‌گذرد، از همانجا آغاز شد و حق این است که ریشه‌های آن شورا که مصیبت معجزه هزاره سوم را به عرصه سیاسی کشور تحمیل کرد، از همان جا آغاز شد؛ فاجعه‌ای که ریشه در حماقت‌های خودما در شورای شهر اول داشت؛ شورای شهری که می‌توانست بزرگترین دستاورد دوم خرداد باشد و سنت انتخابات را در جامعه مانده‌پاند کند، ولی با خطاهایی که خودمان مرکب شدیم، شورای شهر اول را تبدیل به آتش‌تپه روبر گردانی مردم از صندوق رای کردیم. همسالان من و بسیاری از جوانان آن روز به یاد دارند که در شورای اول و به‌خصوص در شورای شهر تهران چه گذشت. شورای شهری که بیشتر متشکل از جاماندگان از انتخابات مجلس ششم بود، آنانی که به هر دلیل نتوانسته بودند سهمی از صندلی‌های مجلس ششم داشته باشند و برخی حتی خود را مستحق ریاست مجلس سوم می‌دانستند و صندلی شورای شهر را برای خود کوچک می‌دیدند یا بعضی که در خواب‌های خود، قیای ریاست جمهوری دوخته بودند و حالا در شورای شهر، مشغول اندازه کردن لحظه آخر آن قبا بودند و کم نبودند کسانی که به آنها وعده صندلی ریاست جمهوری می‌دادند و همین رویاپردازی‌ها به مجادلاتی خسته‌کننده تبدیل می‌شد و آنکه کسی مردم را دعوت به تحریم انتخابات کند، جامعه را به آنجا رساند که لقای آزادترین انتخابات تمام این ۴۷ سال را به بقایش ببخشند و از صندوق رای روی برگردانند و شورای شهری از دل صندوق رای بیرون بیاید که در شهر ۱۰ میلیونی تهران که حداقل ۵ میلیون واجد رای دادن داشت، بعضی نمایندگان شورا، فقط با ۱۰۰ هزار رای به آن راه یافتند. اما همانطور که در مجلس پنجم کسی متوجه نشد که جامعه چه پوست‌اندازی‌ای کرده و حتی روشن‌بین‌ترین تحلیلگران هم برای نمونه، معنای رای بالای ناهید شید در تهران (با اینکه به مجلس راه نیافت) و مصطفی احمدیه در کرج (که این یکی به مجلس راه یافت و با همه مخالفت‌ها، آخرین نفری بود که اعتبارنامه‌اش تصویب شد) را درنیاافتند، معنای انتخابات شورای شهر دوم هم، نه برای سیاست‌ورزان و نهخبگان قابل فهم نبود و در ادامه اشتباهات مکرر خود، کار را به آنجا رساندند که مدیریت توزیع آتش رشته سیب‌زمینی خیابانی، در انتخابات ریاست جمهوری ۸۴، شد مطلوب ساختار مدیریتی